

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رشد و توسعه؛
مروری بر مراحل تکامل مفهوم توسعه اقتصادی
سید مرتضی افقه

استادیار دانشگاه شهید چمران

morteza.afghah@gmail.com

<http://www.developiran.com>

بهمن ۱۳۸۷

به روز شده در اسفند ۱۳۹۲





فهرست مطالب

- ۱- سیر تکامل مفهوم توسعه
 - ۱-۱: تفاوت رشد و توسعه اقتصادی؛
 - ۱-۲: مفهوم جدید توسعه.
- ۲- عوامل مؤثر بر توسعه
 - ۱-۲-عوامل اقتصادی؛
 - ۲-۲-عوامل غیر اقتصادی.
- ۳- پیش نیازهای توسعه
 - ۳-۱- خواست توسعه؛
 - ۳-۲- آمادگی برای پرداخت هزینه های توسعه؛
 - ۳-۳- استفاده از ابزارهای مناسب برای توسعه.
- ۴- آثار توسعه
- ۵- مروری بر دیدگاه اسلام نسبت به توسعه





رشد اقتصادی (Economic Growth)

توسعه اقتصادی (Economic Development)





سیر تکامل مفهوم توسعه

مروری تاریخی بر تعریف توسعه و تفسیری که از مفهوم واژه‌های مرتبط با توسعه در ادبیات اقتصاد ارائه شده نشان‌دهنده تکامل تدریجی این مقوله در طول زمان بوده است.



واژه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی



خطاب به کشورهایی که در گروه پیشرفته‌ها نمی‌باشند واژه‌های متعددی در ادبیات توسعه موجود است که عبارتند از:

Underdeveloped Countries	کشورهای عقب مانده یا کم توسعه
Third World Countries	کشورهای جهان سوم
The South	کشورهای جنوب
Backward Countries	کشورهای عقب مانده
Undeveloped Countries	کشورهای توسعه نیافته
Least Developed Countries (LDC)	فقیر ترین کشورها
Less Developed Countries (LDC)	کشورهای در حال توسعه

اما سازمان ملل بکارگیری این واژه‌ها در مورد کشورهای توسعه نیافته را توهین آمیز خواند و پیشنهاد کرد برای این کشورها از واژه کشورهای در حال توسعه (Developing Countries) استفاده نمایند.





Some other Phrases

- در ادبیات توسعه واژه های دیگری هم یافت می شوند که با مباحث توسعه و توسعه نیافتگی کشورهای جهان مرتبط هستند. برخی از این واژه ها عبارتند از:

Underdevelopment	عقب ماندگی
Development	توسعه یافتگی
Sustainable Development	توسعه





در نقطه مقابل نیز اصطلاحات متعددی برای کشورهای پیشرفته وجود دارد

Western Countries	کشورهای غربی
The North	کشورهای شمال
Industrial Countries	کشورهای صنعتی
Modern Countries	کشورهای مدرن
Developed Countries	کشورهای توسعه یافته





توسعه پایدار

از جمله واژه های مهم دیگری که از دهه ۷۰ وارد ادبیات توسعه شده و حجم قابل توجهی از آن را به خود اختصاص داده توسعه پایدار (Sustainable Development) است. بعد از رشد سریع کشورهای پیشرفته کنونی بخصوص بعد از جنگ بین الملل دوم، جهان با دو مشکل پیش بینی نشده مواجه شد:

۱- گسترش فقر و نابرابری

۲- تخریب وسیع محیط زیست.

از آن تاریخ تا کنون تعاریف توسعه با محوریت رفع این دو عارضه مورد تجدید نظر قرار گرفتند. مطالعات مربوط به فقر در حوزه اقتصاد باقی ماند و انبوهی از این تحقیقات تاکنون در مراکز علمی و دانشگاهی ایجاد شده است و هم اکنون نیز با شدت ادامه دارد. اما مطالعات مربوط به محیط زیست به شاخه های علمی دیگر سپرده شد.





- **The Millennium Development Goals:**
- **Eight Goals for 2015**
- 1- Eradicate extreme poverty and hunger •
- 2- Achieve universal primary education •
- 3- Promote gender equality and empower women •
- 4- Reduce child mortality •
- 5- Improve maternal health •
- 6- Combat HIV/AIDS, malaria and other diseases •
- 7- Ensure environmental sustainability •
- 8- Develop a global partnership for development •





• **اهداف توسعه جهانی در هزاره سوم :**

• **Millennium Development Goals: (MDG)**

• در نشست سال ۲۰۰۰ اعضای سازمان ملل متحد تدوین و توسط ۱۹۱ عضو آن مورد تصویب قرار گرفت. بیانیه هزاره سوم سازمان ملل در قالب هشت هدف کلی کشورها را به مبارزه با فقر ، گرسنگی ، بیماری ها ، بیسوادی ، تخریب محیط و تبعیض زنان فرا خوانده و کشورها را موظف به تهیه برنامه مناسب برای دستیابی به هدفهای تعیین شده تا سال ۲۰۱۵ نمود. این اهداف شامل:





- ۱. ریشه کنی فقر و گرسنگی شدید
- ۲. دسترسی به آموزش ابتدایی
- ۳. برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان
- ۴. کاهش مرگ کودکان
- ۵. ارتقای سلامت مادران
- ۶. مبارزه بر علیه مالاریا، ایدز و بیماری های دیگر
- ۷. اعتماد از ثبات و پایداری محیطی
- ۸. مشارکت جهانی برای توسعه





تعریف توسعه پایدار

منظور از توسعه پایدار تلاش برای توازن بین رشد اقتصادی و حفظ محیط است. اگر چه تعاریف متعددی از این اصطلاح ارائه شده است ولی بهترین تعریف عبارتست از: "تأمین نیازهای نسل کنونی بدون لطمه زدن به منافع نسلهای آینده" (World Commission on Environment and Development, 1987, pp. 4&8). بنا به این تعریف، کیفیت زندگی آینده و بطور کلی کیفیت زندگی به کیفیت محیط زیست بستگی تام دارد. بنا بر این، توسعه دانه‌ها توصیه می‌کنند که کلیه برنامه ریزان توسعه حتماً باید در طرحهای خود توسعه را با حفظ محیط زیست در نظر بگیرند. از آنجا که یکی از دلایل تخریب محیط زیست پاسخ جوامع به مصرف فزاینده جمعیت رو به تزاید خود می‌باشد بحث توسعه پایدار یک مسئله کلیدی در مطالعات توسعه بوده و بنا براین برنامه ریزان باید بطور جدی و سریع در مورد الگوی تولید و مصرف جهانی تجدید نظر کنند (Todaro).





تعاریف اولیه از رشد و توسعه

- اگرچه توسعه اقتصادی در قرون هجده و نوزده بصورت ساده و صرفاً بر اساس افزایش تولید کل یک جامعه ارزیابی می‌شد ولی امروزه این برداشت ناکافی و قادر به تبیین واقعیات موجود نخواهد بود. روند تاریخی مطالعات توسعه حاکی است که دانشمندان علوم اجتماعی این علم را از نگاهی مختلفی بررسی نموده‌اند. وجود طیف وسیعی از مطالعات دانشمندان و محققین علم توسعه اقتصادی با تنوع گرایش‌های علمی و دیدگاهی منجر به مجموعه گسترده‌ای از تعاریف توسعه و بنابراین تئوری‌های توسعه شده است.





تعاریف اولیه از رشد و توسعه

❖ بهر حال وجود چنین تنوعی، انتخاب یک مفهوم واحد را دشوار می نماید. شاید بدین دلیل است که می‌یر (Meier) معتقد است که "بهتر است بگوئیم توسعه اقتصادی چه چیزی نیست". اما علیرغم تنوع تعاریف، مفاهیم مشترک فراوانی را در ادبیات توسعه می توان ملاحظه نمود:

❖ "افزایش در ظرفیت تولیدی یک جامعه" یکی از رایج‌ترین جنبه‌های فرآیند توسعه اقتصادی و وجوه مشترک این مفهوم است که بوسیله بسیاری از اقتصاددانان مورد تاکید قرار گرفته است. دومین وجه مشترک مفهوم توسعه، طولانی و مستمر بودن مدت فرآیند آنست. به عنوان نمونه، کوزنتس (Kuznets) معتقد است که: "رشد اقتصادی عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت‌های تولید برای کالاهای (از حیث تنوع) در حال افزایش که این افزایش ظرفیت خود متأثر از پیشرفت‌های تکنولوژیک و تعدیل‌های نهادی و ایدئولوژیک لازم برای این تکنولوژیها می باشد".





تعریف توسعه با توجه به جنبه های اجتماعی

❖ اما تعدادی از اقتصاددانان توسعه اقتصادی را صرفاً محدود به تغییرات آشکار در نهادهای اقتصادی ندانسته معتقدند که توسعه اقتصادی متضمن تحولات عمیق و اساسی هم در ساختارهای اقتصادی و هم در ساختارهای اجتماعی جامعه می باشد. به عنوان نمونه، هوزلیتز (Hoselitz) معتقد است که علاوه بر تحولات اقتصادی، تغییرات وسیع در همه ابعاد زندگی لازم است. در پاسخ به این سؤال که "آیا توسعه اقتصادی صرفاً محدود به تغییر در ابعاد مشخص و ظاهری رفتار می باشد؟" بیان می کند که:

❖ من تصور می کنم که توسعه اقتصادی، بخصوص اگر مستلزم صنعتی شدن باشد، به یک فرآیند سریع و (بنوعی) انقلابی گفته می شود که اگر قرار است در جامعه ریشه دار گردد باید بطور گسترده و عمیقی نفوذ نموده و بنابراین بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن تاثیر گذار باشد. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی نه تنها شامل تغییر در تکنیک های تولید بلکه شامل تغییر جهت گیری در هنجارها و ارزش های اجتماعی نیز می گردد

❖ پاول استریتین (Streeten) نیز معتقد بود که "توسعه هم به عنوان یک هدف و هم به عنوان یک فرآیند شامل تحول اساسی هم در دیدگاه نسبت به زندگی و کار و هم در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد".





نقش ارزشها در تعریف توسعه

تعدد و تکثر تعاریف توسعه ممکن است نتیجه این تفکر غالب باشد که توسعه یک مقوله ارزشی است که متضمن حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب در جامعه است. اما مطلوب و ارزشمند واژه‌هایی ارزشی هستند که ممکن است در جوامع مختلف تعاریف متمایز و یا حتی متضادی داشته باشند. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معتقدند که اینگونه قضاوت‌های ارزشی مانعی برای نیل به یک تعریف فراگیر و جهانی برای توسعه می‌باشد. پاول استریتن (Streeten) می‌گوید: "از همه مهمتر آنکه باید بخاطر داشت که این اقدامات به قضاوت‌هایی ارزشی در مورد اهداف توسعه اشاره می‌کنند که این اهداف مانع نیل به یک توافق جهانی در مورد توسعه می‌شوند!"





نقش ارزشها در تعریف توسعه

ضمن تاکید بر نقش قضاوت‌های ارزشی بر جهت‌گیری فرآیند توسعه، دادلی سیرز می‌پرسد: "اما منشأ این قضاوت‌های ارزشی چیست؟" سیرز (Seers). جمله‌ای از تین برگن که می‌گوید یک جامعه می‌تواند این قضاوت‌های ارزشی را از دولت خود اخذ کند، نقل نموده و ضمن رد این عقیده بر این باور است که برخی دولت‌ها خود مانع توسعه‌اند و بنابراین قادر نخواهند بود که ارزش‌های لازم برای توسعه را ارائه نمایند.





تعریف دادلی سیرز از توسعه

❖ اما علیرغم نقش ارزش‌ها در تعیین جهت جوامع، بسیاری از متخصصین علوم اجتماعی تلاش نموده‌اند تا مشخصات مشترکی در بین جوامع را استخراج و بر اساس آن یک هدف واحد برای فرآیند توسعه در کل جوامع تعریف نماید. خود دادلی سیرز سه ویژگی اساسی توسعه را به صورت سؤال طرح کرده که معتقد است علیرغم تنوع در دین، سنت، نژاد و ... در بین همه جوامع مشترک است:

❖ بنابراین سئوالی که باید درباره فرآیند توسعه یک کشور پرسید آن است که: چه اتفاقی برای فقر افتاده است؟ چه اتفاقی برای بیکاری افتاده است؟ چه اتفاقی برای نابرابری افتاده است؟ اگر در همه این سه مورد کاهش رخ داده باشد بدون تردید باید گفت که در جامعه مورد نظر توسعه اتفاق افتاده است. اما اگر یک یا دو مورد از این سه مشکل اساسی بدتر شده‌اند بخصوص اگر هر سه مورد بدتر شده باشند، عجیب خواهد بود که نتیجه این فرآیند را توسعه بنامیم حتی اگر درآمد سرانه نیز افزایش یافته باشد (Seers).





تعریف عقب ماندگی

آدلمن (Adelman) بیان می کند که: "یک جامعه موقعی عقب مانده است که توسعه اقتصادی در آن قابل حصول اما کامل نشده باشد". انکه (Enke) نیز یک کشور فقیر و عقب مانده را چنین توصیف می کند: "اگر در یک کشور منابع طبیعی ارزشمند اما بلا استفاده و یا فرهنگی غیراقتصادی اما قابل تغییر وجود داشته باشد"، در آن صورت چنین کشوری عقب مانده خوانده می شود. مشابه این دو نویسنده کوزنتس (Kuzntes) می گوید: "منظور ما از اصطلاح عقب مانده اشاره به کشورهایی است که توسعه اقتصادی آنها کمتر از آن چیزی است که می توانند باشند، و قابلیت آنها بسیار بیش از آن چیزی است که در حال بهره برداری هستند.



دامنه انتخاب در تعریف توسعه



بسیاری از اقتصاددانان (Little, Goulet) معتقدند که توسعه فرآیندی است که طی آن دامنه انتخاب انسان افزایش می‌یابد. آرتور لوئیس جمله معروفی دارد که مرجع بسیاری از اقتصاد دانان بعدی شده است. وی می‌گوید: "نکته مهم در مورد رشد اقتصادی آنست که به انسان قدرت کنترل بیشتری بر محیط پیرامون او می‌دهد و با این تسلط، دامنه آزادی او وسیع‌تر می‌شود" (Lewis). والتر الکان نیز توسعه را چنین تعریف نموده است: "توسعه فرآیندی است که با افزودن دامنه انتخاب انسان، او را در وضعیت مرفه‌تری قرار می‌دهد" (Elkan). تئودور مورگان (Morgan) ضمن تأیید باینر جمله‌ای از او نقل می‌کند که: "معیار ما در قضاوت در مورد توسعه اقتصادی آنست که توسعه دامنه انتخاب‌های متعددی که بوسیله آن (توسعه) به روی انسان (به عنوان مصرف‌کننده و یا تولیدکننده) باز شده را وسیع‌تر نموده است".





تحول در تعریف توسعه

با این حال، تفسیر دنیس گولت (Goulet) از توسعه زمینه را برای ارائه جامع‌ترین تعریف از توسعه فراهم نماید. تعریف او از توسعه نه تنها اهداف اقتصادی (که توسط بسیاری از اقتصاددانان بیان می‌شوند) را در بر می‌گیرد، بلکه شامل جنبه‌های اجتماعی و روانی جامعه نیز می‌گردند. این تفسیر ابتکاری از مفهوم توسعه بوسیله دو اقتصاد توسعه‌دان مشهور معاصر یعنی مایکل تودارو (Todaro) و آنتونی تیرل وال (Thirlwall) مورد قبول و تبیین قرار گرفته است. گولت سه جزء اساسی یا سه ارزش محوری را به عنوان معیار فرایند توسعه بیان نموده است. این سه ارزش محوری که به عنوان اهدافی اساسی بوسیله هر فرد و یا جامعه‌ای دنبال می‌شوند عبارتند از: معیشت، اعتماد به نفس و آزادی. به نظر می‌رسد این نوع نگاه به توسعه باعث تحولی در تعریف توسعه و ورود عوامل غیراقتصادی به این تعریف شده باشد. به عبارت دیگر، این تعریف از توسعه نه به عنوان یک تحول صرف اقتصادی بلکه به تحول در همه ابعاد و جهات زندگی توجه می‌کند.



سه ارزش محوری تعریف توسعه به نقل از تودارو (Todaro)

معیشت: قدرت تأمین نیازهای اساسی

Sustenance: The Ability to Meet Basic Needs

همه مردم نیازهای اساسی معینی دارند که بدون آنها زندگی غیرممکن خواهد بود. این نیازهای اساسی بشری تضمین کننده بقا انسان شامل غذا، مسکن، بهداشت و امنیت می باشد... بنابراین کارکرد اساسی کلیه فعالیت های اقتصادی تأمین کننده ابزار و لوازمی برای تعداد هر چه بیشتر افراد به منظور غلبه بر ناتوانی و مصیبت ناشی از کمبود غذا، مسکن، بهداشت و امنیت می باشد... بدیهی است بدون وجود یک رشد مستمر و خود افزا در سطح فردی و اجتماعی، تحقق توانائی و قابلیت بشر امکان پذیر نخواهد بود... بنابراین، افزایش درآمد سرانه، محو فقر مطلق، ایجاد فرصت های شغلی بیشتر و کاهش نابرابری درآمدی تأمین کننده شرایط لازم و نه کافی برای توسعه خواهند بود.





اعتماد به نفس: انسان بودن

Self-esteem: To be a Person

• دومین جزء برخورداری از یک زندگی خوب، اعتماد به نفس است. همه مردم و جوامع به دنبال نوعی اعتماد به نفس هستند هرچند با نام‌های هویت، مقام، اعتبار، منزلت، افتخار و استقلال از آن یاد نمایند .. بهر حال با گسترش ارزش‌های نوین کشورهای پیشرفته بسیاری از جوامع در کشورهای جهان سوم که ممکن است قبلاً احساس عمیقی نسبت به ارزشهای خود داشته اند، به هنگام تماس با جوامعی که از نظر اقتصادی و تکنولوژیک پیشرفته اند از یک اغتشاش جدی فرهنگی رنج ببرند و علتش این است که برخورداری و ثروتمند بودن به یک معیار نسبتاً جهانی ارزش تبدیل شده است. بخاطر اعتبار ملی که به همراه ارزش‌های مادی موجود در جوامع پیشرفته وجود دارد، امروزه اعتماد و ارزش فقط به کشورهایی که دارای ثروت‌های اقتصادی و قدرت تکنولوژیک هستند یعنی کشورهای توسعه یافته داده می شود.





آزادی از قیدبندگی: قادر به انتخاب بودن

Freedom from Servitude: To Be Able to Choose

سومین و آخرین ارزش جهانی که ما فکر می‌کنیم جزئی از مفهوم توسعه است، آزادی است. در اینجا آزادی بمعنی احساس رهایی از شرایط از خود بیگانه کننده زندگی مادی و بندگی طبیعت، از جهل، انسانهای دیگر، مصیبت، نهادها و اعتقادات متحجرانه است. آزادی شامل دامنه وسیعی از انتخابها برای جوامع و اعضای آنها به همراه حداقل شدن موانع خارجی برای نیل به اهدافی که به توسعه معروفاند می‌شود. در مقایسه با فقر، ثروت به انسان قدرت بیشتری برای تسلط بر طبیعت و محیط مادی مثلاً از طریق تولید غذا، پوشاک و مسکن بیشتر می‌دهد. ثروت همچنین به افراد آزادی انتخاب رفاه بیشتر و یا برخورداری از کالا و خدمات بیشتر می‌دهد یا به او اختیار می‌دهد تا همه خواستهای مادی را انکار نموده و به یک زندگی کاملاً معنوی پردازد.



تعریف توسعه از دید آمارتیا سن

Amartya Sen

- Development can be seen as a process of expanding the real freedoms that people enjoy. ... Development requires the removal of major sources of unfreedom: poverty as well as tyranny, poor economic opportunities as well as systematic social deprivation, neglect of public facilities as well as intolerance of overactivity of repressive state (Sen, 1999, 3).

• توسعه را می توان فرآیندی دانست که موجب گسترش آزادی هایی خواهد شد که مردم از آن نفع می برند. ... توسعه باید منجر به محو منابعی شود که آزادی انسان ها را محدود می کند. این منابع عبارتند از: فقر و ستمگری، نبود فرصت های اقتصادی و محرومیت های اجتماعی نهادینه شده، غفلت از بودجه های عمومی و بی تحملی و یکه تازی دولت های سرکوبگر.



تعريف توسعه از دید آمارتیا سن

Amartya Sen

- Expansion of freedom is viewed both as the primary end and as the principal means of development. Development consists of the removal of various types of unfreedoms that leave people with little choice and little opportunity of exercising their reasoned agency. The removal of substantial unfreedoms, it is argued here, is *constitutive* of development. ... The intrinsic importance of human freedom, in general, as the preeminent objective of development is strongly supplemented by the instrumental effectiveness of freedoms of particular kinds to promote freedoms of other kinds (Sen, 1999, xii).



تعریف توسعه از دید آمارتیا سن

Amartya Sen

- گسترش آزادی ها هم یک هدف اولیه و هم مهمترین ابزارهای توسعه می باشد. توسعه شامل حذف انواع محدودیت هایی می شود که انتخاب افراد را بسیار محدود می کنند و یا فرصت های کمی در اختیار آنها قرار می دهد تا ابراز هویت کنند (ابراز وجود کنند). ... حذف محدودیت های اساسی انسان زمینه ساز تقویت توسعه خواهد شد. ... در مجموع، اهمیت ذاتی آزادی بشر به عنوان هدف اساسی توسعه در این است که آزادی در هر بخش باعث تقویت و گسترش آزادی در سایر بخشها خواهد شد (Sen, 1999, xii).



مفهوم توسعه از دید آمارتیا سن (ادامه)



- آزادی به دو دلیل در فرآیند توسعه نقشی اساسی ایفا می کند:
- ۱- دلیل سنجشی: ارزیابی پیشرفت یک جامعه ابتدا بر این اساس باید صورت گیرد که آیا آزادی مردم گسترش یافته است.
- ۲- دلیل اثربخشی: نیل به توسعه شدیداً به آزادی عمل مردم بستگی دارد (Sen, 1999, 4).



مفهوم رشد خود افزا (Self Sustainable Growth) از زبان Rostow



This term is used in the same way that Rostow applied it when he stated: “What is essential here is not the form of stimulus but the fact that the prior development of society and its economy result in a positive, sustained, and self-reinforcing response to it: the result is not a once-over change in production functions or in the volume of investment, but a higher proportion of potential innovations accepted in a more or less regular flow, and higher rate of investment.” See: W. W. Rostow, The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto, 1990, p. 37





تفاوت رشد و توسعه

پاول استریتن (Streeten) ضمن تاکید بر به مجزا بودن فرآیند رشد و توسعه، معتقد است که رشد عمدتاً به فرآیند پیشرفت در کشورهای پیشرفته اطلاق می‌شود در حالیکه توسعه فرآیندی مرتبط با کشورهای در حال توسعه است.





تئوری (Trickle –Down)

یکی از تئوری هایی که به ارتباط بین رشد و توسعه پرداخته، تئوری رخنه به پائین (Trickle –Down) است که در دهه های ۶۰ و ۷۰ طرفدارانی داشته و معتقد است که نابرابری محرک رشد اقتصادی و اشتغال است. مبنای این تئوری، نظریه ای است که معتقد به بالا بودن میل نهایی به پس انداز ثروتمندان و پائین بودن میل نهایی به پس انداز در بین فقراست. بنابراین وجود طبقه ای ثروتمند لازم است تا منابع لازم برای رشد اقتصادی را فراهم نمایند. نتیجه منطقی این استدلال پذیرش نابرابری در بین اقشار جامعه لااقل در مراحل اولیه رشد اقتصادی است. طرفداران این نظریه معتقدند که این نابرابری طولانی نبوده و نتایج مثبت رشد سریع بطور خودکار به طبقات پائین جامعه نیز رخنه خواهد نمود. دادلی سیرز ضمن انتقاد از این نظریه با ارائه چندین پرسش اعتبار آنرا مورد تردید قرار داده (Seers) و تودارو با ارائه حداقل چهار دلیل صحت این نظریه را به چالش کشیده است (Todaro).





علیرغم این دیدگاه، بیشتر متخصصین علوم اجتماعی معتقد به تمایز بین این دو واژه می‌باشند. در واقع دامنه مطالعات این دو مقوله بطور گسترده‌ای متفاوت شده است: رشد به بررسی ترکیبات مناسب عوامل تولید که منجر به حداکثر تولید می‌شود، می‌پردازد در حالیکه توسعه تحولات لازم و مناسب در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ساختارهای اقتصادی به منظور فراهم نمودن شرایط لازم برای رشد در همه ابعاد زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مطالعات رشد عمدتاً در شرایط فعلی کشورهای پیشرفته (که تحولات غیر اقتصادی لازم قبلاً انجام شده است) کاربرد دارد در حالیکه کشورهای در حال توسعه مخاطب اصلی مطالعات توسعه اند. بالاخره، می‌توان نتیجه گرفت که در مطالعات مربوط به فرآیند رشد، اقتصاددانان نقش محوری دارند در حالیکه برای مطالعه توسعه علاوه بر اقتصاددانان، متخصصین حوزه های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی و سایر حوزه‌های علوم اجتماعی نیز نقش برجسته ای دارند.





اما گذشت زمان و پیچیدگیهای ناشی از پیشرفت های بشر در ابعاد مختلف و با شناخت بیشتر نیازهای انسان، مفهوم توسعه مرزهای اقتصادی را در نوردید و ابعاد اجتماعی-سیاسی و فرهنگی جامعه را نیز در بر گرفت. بر اساس دیدگاه گولت که توسط تیرل وال و تودارو نیز مورد تبیین قرار گرفته، توسعه فرآیندی است که علاوه بر تامین نیازهای اساسی انسان ها باعث گسترش دامنه انتخاب و اعتماد به نفس نیز می گردد. اما نیل به چنین هدفی مستلزم تحولات عمیق و وسیع در دیدگاه ها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه است. بنظر می رسد این جامع ترین برداشت از مفهوم توسعه است که در برگیرنده غالب دیدگاه های دانشمندان و محققین پیشین است.





اما چند نکته در ارتباط با مفهوم توسعه قابل بیان است:

❖ اگرچه دیدگاه غالب آن بود که بدلیل تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی و تاریخی سیاسی جوامع، اهداف توسعه نمی‌توانند جهانی باشند ولی حرکت تکاملی مطالعات توسعه به گونه‌ای بود که به تعریفی مشترک و جهانی دست یافت. به عبارت دیگر، این مفهوم نه تنها در برگیرنده اشتراکات مادی جوامع بوده بلکه وجوه اشتراک معنوی و غیرمادی افراد و جوامع را نیز در بر گرفته است. نیازهایی همچون احساس اعتماد به نفس، برابری طلبی، آزادی، مورد احترام بودن در جامعه و جهان و.. ویژگیهای ذاتی همه انسانها است. جستجو برای یافتن وجوه مشترک انسانها هدف اصلی مطالعات کلیه دانشمندان علوم اجتماعی بود که برای نیل به تعریفی جامع از توسعه تلاش می‌نمودند. در واقع افزودن نکاتی همچون افزایش اشتغال، کاهش فقر مطلق و نابرابری و تسلط انسان بر طبیعت به تعاریف اولیه حاصل چنین گرایشی در بین دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. در نهایت، تفسیر هوشمندانانه گولت و تبیین آن توسط سایر دانشمندان جمع‌بندی کلیه تلاش‌های پیشینیان در این زمینه



بوده است.



❖ اما از بین سایر ویژگی های تعریف فوق نیل به این توانمندی (آزادی) که یک جامعه قادر به انتخاب های خود باشد یکی از ارزش های محوری در بیان مفهوم توسعه است. به همین دلیل بیان مجدد این جمله از تودارو مفید خواهد بود که: "ثروت به انسان آزادی بیشتری در انتخاب می دهد؛ که رفاه بیشتری از طریق مصرف بیشتر کالا و خدمات داشته باشد و یا با نفعی اهمیت تمایلات مادی خود، به انتخاب یک زندگی معنوی پرداخته و تلاش های خود را مصروف پاسخ به این نیازها کند"





پیش نیازهای توسعه پیش نیاز اول

❖ اولین پیش‌نیاز فرآیند توسعه در جامعه وجود خواست توسعه در بین مردم و بخصوص در بین رهبران و تصمیم‌گیران جامعه می‌باشد. اگر جهت‌گیری یک جامعه به سمت یک زندگی غیرمادی در مقایسه با جامعه‌ای که بدنبال حداکثر بهره‌مندی از یک زندگی مادی است باشد، نتیجه‌ای کاملاً متفاوت بدست می‌آید. با این وصف ممکن است جوامعی توجه به زندگی غیرمادی داشته باشند اما نیل به آن را منوط به بهره‌مندی تعریف شده و معقولی از زندگی مادی بدانند. بدیهی است این گروه از افراد در مقایسه با جامعه‌ای که توجه صرف به زندگی غیرمادی دارد از قابلیت بیشتری برای رشد برخوردار است.

❖ دستیابی به این مرحله که خواست توسعه در بین مردم و بخصوص تصمیم‌گیران گسترش یافته تا باعث توسعه گردد یک تحول غیر اقتصادی است. به عبارت دیگر، اولین تحول در فرآیند توسعه تغییر در خواست و نگاه جامعه به زندگی مادی و معنوی و ارتباط بین این دو و اولویت و اهمیت هر کدام در فعالیت‌های افراد و جامعه است. بنا بر این قرار دادن برخورداری از یک زندگی مادی مطلوب در اولویت اصلی زندگی، پیش‌نیاز اولیه فرآیند توسعه است که بدون این تحول سایر فعالیت‌ها و اقدامات برای نیل به توسعه بی نتیجه یا کم‌اثر و با هزینه و زمان بیشتر همراه خواهد بود.





پیش‌نیاز دوم

- پیش‌نیاز دوم، آمادگی جامعه برای پرداخت هزینه‌های توسعه است. به عبارت دیگر، قرار گرفتن خواست توسعه در اولویت اصلی زندگی باید همزمان باشد با آمادگی جامعه در پرداخت هزینه‌های نیل به این هدف. گذشت از برخی از تعلقات فرهنگی و سنتی و وابستگی‌های بازدارنده توسعه از جمله این هزینه‌ها می‌باشد. در این مسیر ممکن است ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سنتی فراوانی نیاز به حذف، تغییر اساسی و یا اصلاح داشته باشند. اگر جامعه در مقابل این تحولات مقاومت کند، تلاش در نیل به توسعه بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد بود (تحرک و پویایی برای برخورداری از یک زندگی مطلوب).





پیش نیاز سوم

- پیش نیاز سوم، تجهیز جامعه به ابزار دستیابی به توسعه است. بدون تردید عقل انسان عامل منحصر به فرد جوامع در تسلط بر طبیعت و محیط پیرامون و نهایتاً توسعه است. بنا بر این جوامع باید بیشترین تلاش را برای بهره مندی از خردمندان و دانشمندان جامعه در گسترش مرزهای دانش در همه ابعاد نموده تا از طریق بکارگیری یافته های علمی و حل مجهولات موجود در طبیعت و جامعه زمینه تسلط بر آنها را برای رفاه بیشتر و رفع نیازهای مادی (و در نتیجه معنوی) جامعه فراهم نمایند.





جایگاه محوری علم و عالم در فرایند توسعه

با این توضیحات جایگاه علم و دانش در فرآیند توسعه به حدی است که می‌توان تعریفی از توسعه با محوریت علم و دانش به صورت زیر پیشنهاد نمود که:

توسعه فرآیندی است که در آن جامعه با بهره‌گیری از دانشمندان و خردمندان خود به نقطه‌ای از توان علمی دست یابد تا با شناخت و تسلط بیشتر بر طبیعت و محیط اجتماعی پیرامون خود به ابزار بیشتری برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود دست یابد. نیل به این مرحله جامعه را در موقعیتی قرار خواهد داد که خود نوع زندگی خود را انتخاب کند. بنا بر این، تفاوت در رتبه علمی منجر به تفاوت درجه توسعه یافتگی جوامع شده و این تفوق علمی باعث تفوق تکنولوژیک و بدنبال آن تفوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... یک جامعه بر جامعه یا جوامع دیگر خواهد شد.





نقش عوامل غیر اقتصادی

سه پیش‌نیاز فوق‌الذکر، تحولاتی غیراقتصادی‌اند اگر چه سرمایه‌گذاری در افزایش دانش را می‌توان اقدامی اقتصادی نیز تلقی کرد. یعنی برای نیل به توسعه قبل از اقدامات صرفاً اقتصادی باید از تحولاتی که منجر به تغییر نگرش در دیدگاه‌ها، خواسته‌ها و تمایلات شده و تحولات لازم برای پذیرش هزینه توسعه را فراهم نماید مطمئن گردید و آنگاه اقدامات اقتصادی را انجام داد در غیر اینصورت اقدامات صرفاً اقتصادی منجر به اتلاف سرمایه‌های مادی از طریق بهره‌برداری غیرکارآ و استفاده نامناسب خواهد شد. هر چند اقدامات صرفاً اقتصادی نیز ممکن است زمینه‌های لازم برای تحولات غیر اقتصادی ضروری برای توسعه را فراهم آورد اما برنامه‌ریزی در این زمینه باید آگاهانه و با هدف ایجاد تحولات غیراقتصادی لازم برای رشد اقتصادی و تسلط بیشتر بر طبیعت و محیط پیرامون برای نیل به درجه آزادی بالاتر درانتخاب نوع زندگی مطلوب صورت گیرد.





Non-economic Factors in Economic Development

This was how a preacher from an African religious movement expressed it to Rene Bureau, to make him understand the **essential difference between Blacks and Whites:**

‘In the past, he told me, in your European villages, all the houses were single storey. Then, one day, a man more ambitious than others added another storey to his house; he invented the stairway and used more durable materials. His neighbours became jealous. They said: ‘Who is this who wants to put himself above others?’ Then they decided: ‘If that’s the way things are, we’ll put two storeys on to our houses.’ Later, other neighbours built three storeys. And thus your towns go on climbing to the skies. Well, with us it’s the same. In a village, a man buys cement, a machine for making bricks and some corrugated iron for a roof. He builds a two-storeyed house. The neighbours get jealous: ‘Who is this upstart who wants to be above other people?’ But now comes the difference between us and the whites; the man is prevented from occupying his house or ever from finishing it. Often, he will be forced to leave the village. That is why you can see so many ruins of stone houses overgrown by weeds, in many villages.



نقش عوامل غیر اقتصادی



- در گذشته در روستاهای شما اروپائیان همه منازل یکسان و دارای یک طبقه بودند یک روز فرد بلند پروازتر از دیگران یک طبقه به منزل خود افزود. او از وسایل پیشرفته دیگری نیز در منزل خود استفاده نمود. همسایه های او احساس حسادت کرده و گفتند: این کیست که می خواهد خودش را بر فراز دیگران قرار دهد؟ و آنگاه گفتند: حالا که چنین است ما هم می توانیم دو طبقه به منازل خود اضافه نمائیم. سپس همسایه های دیگر سه طبقه افزودند و نتیجه آن شد که ساختمانهای شهر شما به سمت آسمان صعود کرد.
- خوب برای ما هم همین اتفاق افتاد. در یک روستای ما مردی برای ساختن یک طبقه بالای منزل خود اقدام به تهیه وسایل ساختمانی نمود. همسایه های او نیز حسادت کردند و گفتند: این مرد گستاخ کیست که خود را فراتر از سایر مردم قرار داده. از اینجا اختلاف بین ما و شما سفید پوستان بوجود آمد. مردم مانع ادامه کار او شدند و حتی منزل او را تصرف کردند. در این گونه موارد، چنین افرادی معمولاً از شهر رانده می شوند. این است که شما مخروبه هایی از سنگ در روستاهای ما ملاحظه می کنید.





The Role of view points on Development

- It is often said that in America the businessman is shown greater respect by society compared, for instance, to the philosophers or university teachers. This respect increases the higher the person's income and the money he is seen to spend on his house, motorcar, and other such things. For this reason Americans find business an attractive career... this position is often contrasted with that in India and other Eastern countries where values are less materialistic: where the 'wise man' of the village is more respected than the one who makes most money. Unfortunately such attitudes do not make for the same economic progress as where there is a constant striving for material gain.



تأثیر دیدگاهها بر رشد اقتصادی

- اینگونه بیان شده که معمولاً در امریکا **Businessman** در مقایسه با، به عنوان مثال، یک فیلسوف یا استاد دانشگاه، بیشتر مورد توجه و احترام قرار می‌گیرد. و هرچه درآمد فرد بیشتر باشد و یا هزینه‌های فرد برای خرید اتومبیل خانه و ... بیشتر باشد این احترام فزونتر خواهد بود. به این دلیل است که فعالیت اقتصادی (**Business**) نزد امریکایی یک شغل جذاب و پر طرفدار است.
- این وضعیت در هندوستان و سایر کشورهای شرقی که ارزشها کمتر مادی اند کاملاً معکوس است: جایکه "ریش سفید یا بزرگ طایفه" در روستا بیشتر از فردی که به دنبال کسب درآمد بیشتر است مورد احترام است. متأسفانه این نوع نگاه (این دیدگاه) به همان سطح رشد اقتصادی که در جامعه‌ای که با جدیت به دنبال کسب درآمدهای فزاینده و با ثبات است منجر نخواهد شد.





مروری بر ادبیات توسعه در متون ملی و دینی

• بر سردر خانه شیخ ابوالحسن فرقانی چنین نوشته بود:

• هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش نپرسید چه آنکس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان ابوالحسن به نان ارزد.





مروری بر ادبیات توسعه در متون ملی و دینی

• توانا بود هر که دانا بود

• ز دانش دل پیر برنا بود

• حکیم ابوالقاسم فردوسی





مروری بر ادبیات توسعه در متون ملی و دینی

درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

ناصر خسرو قصیده شماره ۶ از دیوان اشعار: قصاید





مروری بر ادبیات توسعه در متون ملی و دینی

سخنی از خواجه عبدالله انصاری:

ای طالب!

بنگر که چه می‌ورزی، همان
ارزی که می‌ورزی، بنده ی آنی
که در بند آنی.





توسعه مفهومی جامع

❖ و نکته آخر اینکه، از مجموع مطالب فوق این نتیجه نیز قابل استنباط است که توسعه یک مفهوم جامع و فراگیر است که در برگیرنده تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بطور نسبتاً هماهنگ و همزمان است و بحث از توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی یا توسعه اقتصادی به لحاظ واژه‌شناسی بی معنی و در ادبیات معاصر توسعه غریب است. شاید بکارگیری واژه‌های رشد اقتصادی، رشد اجتماعی، رشد سیاسی واژه‌های مناسب‌تری در این زمینه باشند. یعنی توسعه یک مقوله مستقل است که حاصل رشد همزمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است.





آثار توسعه یافتگی

ایجاد زمینه رشد فضائل معنوی و اخلاقی و حذف رذایل اخلاقی

- اما نتیجه توسعه یافتگی با ویژگی های فوق، فراهم شدن زمینه های رشد و گسترش فضائل اخلاقی (همچون نظم و انضباط، وفای به عهد راستگویی، وقت شناسی و...) و از بین رفتن زمینه های رذایل اخلاقی (همچون غیبت، تهمت، سرقت، ظلم، اتلاف منابع، ...) در جامعه خواهد بود. توسعه یافتگی همچنین عامل اصلی ایجاد امنیت، افزایش بهره وری، و در مجموع آسایش مادی و معنوی و رفاه در جامعه خواهد بود. با این فرض، برای گسترش فضائل اخلاقی و کاهش زمینه های رذائل اخلاقی در جامعه، نیل به توسعه (مطابق آنچه در فوق بیان شد) باید یک ارزش مهم دینی تلقی گردد و در برنامه ریزی های دولت های اسلامی از اولویت بسیار بالایی برخوردار گردد.





TOP TEN COUNTRIES WITH THE HIGHEST POPULATION

#	Country	2000 Population	2010 Population	2012 Population	2050 Expected Pop.
1	China	1,268,853,362	1,330,141,295	1,343,239,923	1,303,723,332
2	India	1,004,124,224	1,173,108,018	1,205,073,612	1,656,553,632
3	United States	282,338,631	310,232,863	313,847,465	439,010,253
4	Indonesia	213,829,469	242,968,342	248,645,008	313,020,847
5	Brazil	176,319,621	201,103,330	193,946,886	260,692,493
6	Pakistan	146,404,914	184,404,791	190,291,129	276,428,758
7	Nigeria	123,178,818	152,217,341	170,123,740	264,262,405
8	Bangladesh	130,406,594	156,118,464	161,083,804	233,587,279
9	Russia	146,709,971	139,390,205	142,517,670	109,187,353
10	Japan	126,729,223	126,804,433	127,368,088	93,673,826
TOP TEN Countries		3,618,894,827	4,016,489,082	4,096,137,325	4,950,140,178
Rest of the World		2,466,012,769	2,829,120,878	2,921,709,597	4,306,202,522
TOTAL World Population		6,084,907,596	6,845,609,960	7,017,846,922	9,256,342,700

NOTES: (1) The Top 10 Most Populated Countries of the World Table was updated for June 30, 2012. (2) Detailed data for individual countries may be found clicking on each country name. (3) Demographic (population) estimates for years 2000, 2010, 2012 and 2050 are based mainly on mid-year data from the [US Census Bureau](#) website. (4) The China population data is for the mainland only. (5) Data from the Internet World Stats website may be cited, giving the due credit and establishing an active link back to [Internet World Stats](#). (6) For definitions, navigation help and methodology, see the [Site Surfing Guide](#). Copyright © 2001 - 2013, Miniwatts Marketing Group. All rights reserved worldwide.





جمع بندی و نتیجه گیری

- ❖ مرور مفهوم توسعه و جایگاه نگرشها بر آن
- ❖ عدم نیل به توسعه در غیاب تحولات نگرشی متفاوت از زندگی و حیات مادی
- ❖ توسعه مفهومی دنیایی است با تأثیر فراوان بر زندگی اخروی

